



آن مرد داس دارد.
آن مرد ناموس دارد.
آن مرد پدر بود.



به نام خدای مهربان

مهدیه ناظریها

یک جور ی قدم برمی داشت انگار که می دانست چقد خوش به حال این دنیا است
که او در این زمین قدم برمی دارد...
حالش خریدنی بود. این حال خوش او دیدنی بود. اصلا گم بود در هوای خودش...
اصلا مست بود در رویایش...
نگم برایت از خنده هایش از چشم هایش... که انگار بهاری را در خود جای داده
بود...

از نگاه های عاشقانه اش که از دور تابلو بود که با من است، لبخندی به صورت گل
انداخته اش زدم و آغوشم را برایش باز کردم.
مثل پرند های که رهایش کرده ای به حال خودش، مثل دختر بچه ای که با پیراهن
گل دارش میدود که به آغوشت برسد...
همان قدر زیبا همان قدر دلنشین...

حال او در آغوش من بود. دست های داغش که نشان از گرمای تابستان می داد
حال خوش من را دگرگون می کرد.
در دل به خدای خود گفتم: آری، من همانم که روزی می گفت عاشق نمی شوم
آری من همانم که دل داده ام.
آری می دانستم که نمی توانم.
اما حال شکر...

به خودم آمدم دست هایم را دور کمر باریکش سفت تر کردم... قلب او را در خود
احساس می کردم.
و این عاشقانه ای دیگر برای من بود...

بررسی ابعاد حقوقی قتل رومینا

مریم امینی / کارشناس ارشد حقوق

خبر قتل رومینا دختر ۱۴ ساله ساکن روستایی از توابع تالش به اندازه‌ای تکان دهنده بود که مدت‌ها نقل محفل اقشار مختلف جامعه خواهد بود و شاید همین دغدغه مشترک نیازمند شفاف سازی موضوع از ابعاد مختلف باشد.

طبق گزارش پلیس رومینا اشرفی بعد از فرار از منزل، با پسری ۲۸ ساله دستگیر می‌شود و با نظر قاضی پرونده به پدر تسلیم شده و متأسفانه در نهایت توسط پدرش و با داس به قتل می‌رسد. همانطور که می‌دانیم مجازات قتل طبق ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی قصاص نفس است. حال سوال اینجاست، آیا پدر رومینا قصاص می‌شود؟

در برخی موارد با وجود تحقق شرایط مادی و معنوی جرم به دلیل وجود برخی موانع قانونی، قاتل قصاص نمی‌شود. یکی از این موانع طبق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی قتل فرزند توسط پدر یا جد پدری است. یعنی هرگاه ثابت شود که عامل قتل پدر یا جد پدری مقتول بوده، حکم قصاص ساقط شده و مجرم به پرداخت دیه و ۳ تا ۱۰ سال حبس تعزیری از بابت جنبه عمومی جرم و بیم تجری جامعه محکوم می‌شود.

آیا این میزان مجازات برای پدر رومینا که همان قاتل رومیناست عادلانه است؟

در باره عادلانه بودن این میزان کیفر برای قاتلی که از قضا پدر مقتول بوده جای بحث وجود دارد. اما سوال مهم تر این است که آیا کیفرهای سنگین از وقوع جرم و جنایت پیش گیری می‌کنند یا خیر؟ بسیاری از مردم فکر می‌کنند مجازات‌های سنگین کیفری مثل اعدام و حبس‌های طولانی مدت اثر تهدید کننده و در نتیجه بازدارنده دارند، این در حالی است که پژوهش‌هایی



که در ایالات متحده درباره اثر بازدارنده‌ی مجازات اعدام در مجموعه مجازات‌هایی که قضات در اختیار دارند هیچ تاثیری بر شمار جنایات خشونت آمیز ندارد چراکه میان ایالت‌هایی که مجازات اعدام در آنها نیست و دیگر ایالت‌ها تفاوتی وجود ندارد.

چه عواملی باعث می‌شود که شخصی دست به قتل فرزند خود بزند؟ اگر بخواهیم از منظر جرم‌شناسی به این قتل نگاه کنیم نظریه مهم سوترلند (۱۹۴۷) که پیوند افتراقی نام‌گرفت بیان می‌دارد حالات و رفتار مجرمانه در تعلق به یک گروه دوستان مجرم یا تایید گرفتن از جامعه‌ی دوستان و نزدیکان بر میزان و شدت عمل ارتكابی توسط مجرم تاثیر مستقیم دارد. همچنین نظریه دیگری به (موقعیت مجرم می‌سازد) شهرت یافته که از تاثیر عوامل فرهنگی و ریشه‌های سنتی جامعه سخن می‌گوید.

با همه این‌ها آیا می‌خواهیم پدر رومینا را تبرعه کنیم؟ خیر!

طبق این نظریات نقش مسئولیت اجتماعی همه افراد جامعه در پدید آمدن جرایم مشخص می‌شود و در واقع مسئولیت بسط پیدا می‌کند. همانطور که در این پرونده نمی‌توان نقش عموها و شوهرخاله رومینا را در تحریک و تهییج پدر برای قتل فرزندش نادیده گرفت. دست‌های پنهان زیادی نیز وجود دارند که گرچه نامرئی هستند اما نمی‌توان گفت مسبب وقوع این فجایع موسوم به قتل‌های ناموسی نیستند.

وقتی پای صحبت هر کدام از خشونت‌گران در موضوعی مشابه رومینا می‌نشینیم، به دو واژه‌ی کلیدی «غیرت و ناموس» می‌رسیم که ساخته و زاینده سنت و باورهای غلط ماست و زن را همچون ملکی مایملک ذکور خانواده و اجتماع می‌سازد.

آیا اگر این واژه به ارزش تبدیل نشده بود باز هم واکنش به ماجراجویی یک دختر بچه سلب حیات او بود؟

خلاهای قانونی کجا هستند؟

آیا اگر کنوانسیون حمایت از حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ در ایران تصویب شده بود که رومینا بر اساس آن نه یک زن بالغ بلکه کودکی نیازمند حمایت در نظر گرفته شده بود باز

هم مرد ۲۸ ساله حاضر می‌شد با وجود جرم انگاری رابطه با کودک، او را فراری دهد؟
یا اگر خشونگری توسط والدین هم جرم محسوب می‌شد باز هم تهدیدات پدر در حضور
مامورین نادیده گرفته می‌شد؟
اگر دادسراهای ویژه اطفال در شهرستان‌ها وجود داشت، مددکار اجتماعی با تشکیل پرونده
و گرفتن شرح حال و بررسی اوضاع خانواده به این نتیجه می‌رسید که جان رومینا در
خطر است باز هم قاضی او را به خانواده تسلیم می‌کرد؟
این سوال‌ها تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد؟ کنش ما جز ابراز ناراحتی در صفحات
اجتماعی شخصیمان چیست؟ اصلاً قرار هست تا مطالبه‌گری را آغاز کنیم؟
به امید روزی که کودکان سرزمینمان مرجع حمایت قانونی برای دادخواهی از هر نوع
خشونتی داشته باشند.



کرونا و فرصت آموزش

حبیب رمضانخانی

کرونا که آمد، اندیشیدیم این نیز چون آلودگی هوا، بارش برف... چند صباحی مدارس را تعطیل می‌کند و بس. اما هرچه پیشتر رفتیم، دریافتیم این مورد با بقیه موارد فرق دارد. مشکلات و عوارض آن زیاد هست و در بحث آموزش و پرورش نیاز به تعطیلات مدت‌دار است.

در گپ‌ها و اخبار نگران کننده، تا چشم باز کردیم، اسفند را به تعطیلی، از نیمه گذرانیدیم. بلا تکلیفی و سردرگمی که فقط خاص ما نیز نبود، کم‌کم ما را دنبال راه و چاره، برای جبران عقب ماندگی امر آموزش کرد. انتخابی وجود نداشت، فضای مجازی و بستر اینترنت تنها گزینه باقی مانده آموزش در دوران فراگیری کرونا بود. توجهات و نگاه‌ها به آن سو سوق یافت، ولی بسترها آماده نبود. کج‌دار و مریز، با آن سازگار شدیم و شروع به تشکیل گروه‌ها و ارتباطات از طریق شبکه‌های مجازی و سایت‌های مدارس شدیم.

دیگر بر ما فهم شد که امیدی به گشایش مدارس و آموزش واقعی، در کوتاه مدت نیست. با تعللی یک ماهه آموزش و پرورش به فکر ساخت بستری فراگیر، برای روند آموزش شد و از پی‌آزمون و خطا، نهایت برنامه‌های تحت عنوان "شاد" را رونمایی کرد.

با وجود مشکلات فراوان و اشکالات نرم‌افزاری، مدارس ملزم به تشکیل کلاس‌بندی و افزودن دانش‌آموزان کردند. این فرایند ادامه یافت و تا امروز تا حدودی توانست نیمه منسجم، بخشی از دانش‌آموزان و فرایند آموزش را پی‌گیرد و جبران اندکی بر این وقفه طولانی مدت باشد.

در اینکه این برنامه و اپلیکیشن‌های مشابه، تا چه اندازه کارایی داشته و مفید بوده، بحث ما نیست. اینکه چه اندازه آموزش و پرورش ما با استانداردهای جهانی فاصله دارد و به

گفته برخی، تعطیلات به دلیل عدم کارایی سیستم، خللی متوجه آموزش نکرد، ارزیابی آن به عهده کارشناسان امر هست و بحث جدا می‌طلبید. بحث ما از طرح این مقدمه، پرداختن به فرصتی است که کرونا با همه فرصت‌سوزی‌ها، در امر آموزش باعث شد. ویروسی که از جنبه‌ای موجبات خیر شد و آن، پیگیری و اجبار روند آموزش از طریق فضای مجازی بود.

در کشورهای توسعه یافته، با وسعت زیاد و جمعیت کم، بسان کانادا، استرالیا... از سال‌ها پیش شاهد بهره‌گیری از این فضا و خلق فرصت هستیم. در این کشورها، نیازی نیست به ازای چند دانش‌آموز، معلم به صورت فیزیکی حضور داشته و روند آموزش را پیگیری کند. دانش‌آموزان این کشورها، کیلومترها دور از هم، از طریق اینترنت پرسرعت و دسترسی به امکانات، دور هم جمع شده و از آموزش از راه دور و فضای مجازی بهره می‌گیرند. معلمان آموزش‌های سالانه و دوره‌ای در این رابطه را گذرانده و مسلط و به روز به تعامل با دانش‌آموزان خود روند یادگیری و آموزش را پی می‌گیرند. این خود باعث کاهش هزینه‌ها و استفاده برابر همه از آموزش را فراهم کرده است.

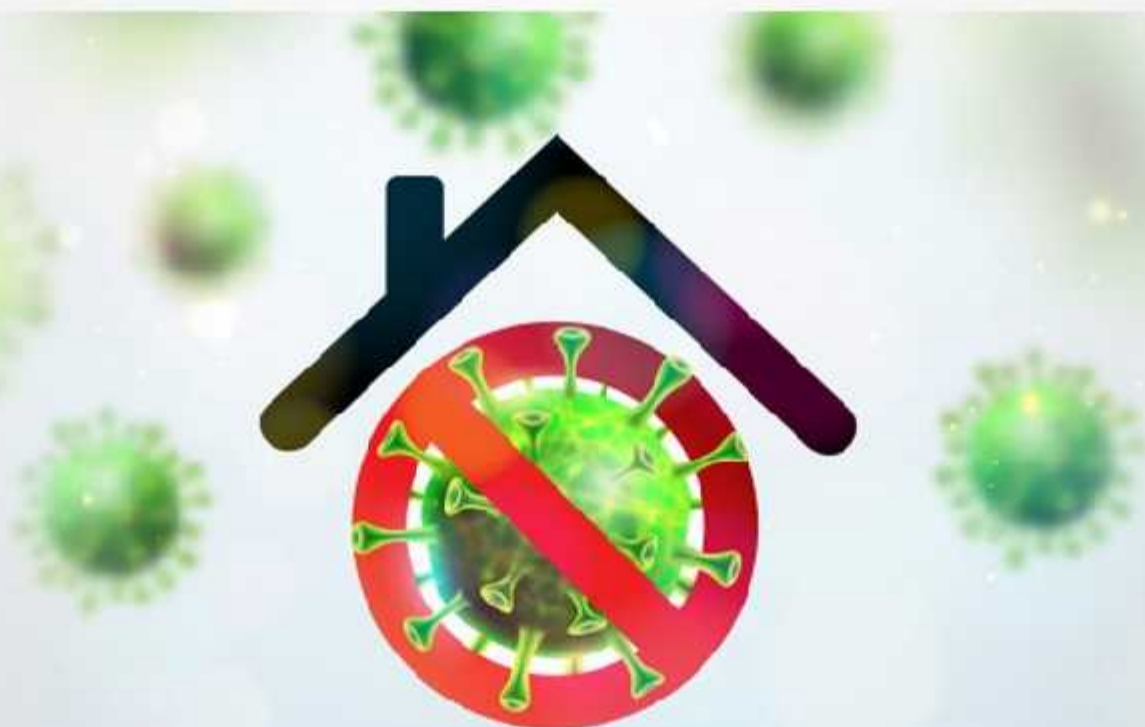
در کشور ما، سال‌ها یکی از افتخارات وزارتخانه آموزش و پرورش، اختصاص معلم، حتی به ازای یک دانش‌آموز در مناطق دوردست است. البته ناگفته نماند، این جای تقدیر و سپاس دارد. منتها این شیوه سنتی، در کنار خلق هزینه‌های بی‌شمار و سختی مسیر تردد، در شرایط سخت آب و هوای گاهی متوقف و در پایه‌های بالاتر ادامه آن با تعداد معلمان بیشتر امکان‌پذیر نیست.

حال کرونا در این زمینه فرصتی فراهم کرده، تا با الگو برداری از کشورهای موفق در این زمینه، شرایطی که بر ما تحمیل شده را به چشم فرصت ببینیم و با اصلاح مشکلات و رفع آن‌ها، بتوانیم بر بسیاری از مشکلات آموزش فائق شویم. با فراهم کردن امکانات و ایجاد انگیزه، آموزگاران و دبیران خود را با کاربرد و استفاده از این برنامه‌ها و نرم‌افزارها آشنا کنیم. آن‌ها را به سوی تولید محتوا هدایت کنیم. بستری برای تبادل و تعامل بین بخش‌های

مختلف وزارت خانه ایجاد کنیم و کم کم این فضا را جدی تر از قبل پی بگیریم. با فراهم کردن و ایجاد زیر ساختها، دسترسی همه مناطق کشور به اینترنت پر سرعت را تسری ببخشیم.

تمام دانش آموزان مناطق دور افتاده را، از خطر ترک تحصیل و عدم برخوردای از آن برهانیم. بسیاری از هزینه‌ها، از جمله تردد و اسکان معلمان در مناطق دور افتاده را حذف کنیم و فقط بنا به ضرورت آن‌ها را در مدت زمان محدودی بگردیم آوریم. با حذف فضاها فیزیکی و هزینه‌های تعمیر و نگهداری، آن را برای همه گیری آموزش رایگان هزینه کنیم.

آری کرونا از این بابت فرصتی هست؛ فرصتی که همیشه از تاخیر در موارد مشابه آن نالیده‌ایم و همواره بعد از تحمیل موردی، با هزینه چند برابر سعی در فرهنگ‌سازی آن نموده‌ایم. حالا که این شرایط، ما را به اجبار وارد این پروسه کرده، چه بهتر راه گشوده شده را با جدیت پی بگیریم. مشکلات و کاستی‌ها را برطرف و این قابلیت را به گشایش و شکوفایی در عرصه آموزش مجازی تبدیل کنیم، خاصه آنکه متوجه باشیم، سال تحصیلی پیش رو، به احتمال زیاد، همچنان گرفتار ویروس هستیم و تعطیلی فیزیکی مدارس را همچنان شاهد خواهیم بود.



روزنه

قسمت اول

سال تقریبا در این گروه حضور داشتیم در گروهی

۱۳۹۶ برگزار شده.

یک دریچه؟ یک حفره؟

که داخلش پر شده از ساختمان‌های کثیف، ندارند و شما نیز هم، باید بگویم بله حلقه هوا به داخل این جعبه می‌آورد.

جمع می‌شویم و به اصطلاح جلسه می‌گذاریم و اوقات بحث‌های انتزاعی و گاه عملی و ملموس. شنیدن، بهتر فکر کردن و بهتر عمل کردن را

را یا کتابی را انتخاب می‌کنیم و سپس شخص و آن را برای دیگران شرح می‌دهد.

در خواستگاری‌ها) می‌گوییم پسر ما ماشین دارد، خانه فرهنگی غدیر سر پاست، چند صندلی یک گروه تلگرامی برای هماهنگی دارد و در آب روان که فکر می‌کنم این دارایی‌ها لازم و

و اردیبهشت ۱۳۹۹ هم صحبت کنم با شما،

شاید بگویید می‌خواهد خیلی کلیشه‌ای گزارش عملکرد بدهد اما نه می‌خواهم دوستانه حرف بزنم.

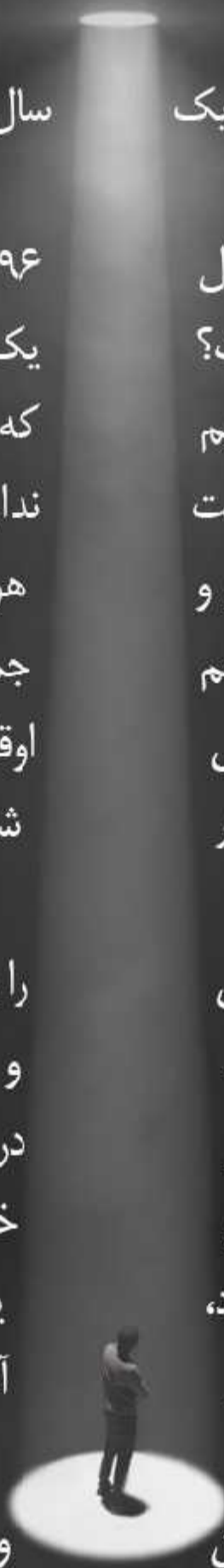
سلام، من یکی از اعضای گروه روزنه هستم، یک که تقریبا سه سال قدمت دارد.

اولین جلسه این گروه در یکم دی ماه سال **خب حالا اصلا روزنه چیست؟** اگر محیط‌مان را جعبه مقوایی در نظر بگیریم ماشین‌های پر دود و آدم‌هایی که شما را دوست مطالعاتی روزنه، روزنه‌ای است که کمی نور و در کل ما هر دو جمعه یک بار، صبح‌ها، کنار هم در باب مسایل مختلف بحث می‌کنیم گاهی در این یک سال من به شخصه کمی بهتر از روزنه آموختم.

مسیر کلی روزنه به این شکل است که مبحثی یا گروهی روی آن کار می‌کند و بعد می‌آید اگر بخواهیم از یک انسان تعریف کنیم (بیشتر خانه دارد، کار دارد و... حالا روزنه‌ی ما هم در دارد، یک میز دارد، یک تخته، چند ماژیک دارد، آخر اعضایی دارد بهتر از برگ درخت بهتر از کافیست و قطعا بیشتر هم خواهد شد.

می‌خواهم راجع به موضوعات جلسات فروردین

شاید بگویید می‌خواهد خیلی کلیشه‌ای گزارش عملکرد بدهد اما نه می‌خواهم دوستانه حرف بزنم.



یکی از اعضا گفت بیایید کمی عملی‌تر به موضوعات فرهنگی اجتماعی فکر کنیم، کمی عمل کنیم، کمی کار انجام دهیم که بقیه هم استقبال کردند. مثلاً برویم تاتر، برویم سینما، برویم سفر، یا اگر بخواهیم پیشنهادات خودم را در متن بیاورم باید بگویم برویم یک شب خانه نیازمندی را در بزنیم و غذا بدهیم به او، یا برویم یک خیابان را تمییز کنیم از اشغال‌های پلاستیکی و...

در همین اثنا دبیر روزنه هم عوض شد و کم سن‌ترین عضومان دبیری گروه را عهده‌گرفت که به نظر من این قضیه هم نکات منفی‌ای دارد هم نکات مثبت اما در کل تجربه خوبیست.

در مرحله بعدی عضو دیگری یک طرح پیشنهاد داد که بیایم بعضی از نوشته‌های آقای مصطفی ملکیان را بخوانیم که به دغدغه‌های امروزی ما نزدیک‌تر است و می‌توانیم با خواندن آنها در سبک زندگی‌مان، در عملمان، تفاوت ایجاد کنیم که بقیه موافقت کردند و چند نفری عهده‌دار بعضی از متن‌ها شدند. یکی موضوعی بود با عنوان: "حکمت عملی مولوی" که اگر بخواهیم بعضی از نکاتی که مولانا مد نظر داشته را در زندگی روزمره خود پیاده کنیم این موضوع کارگشا خواهد بود، به شکل خلاصه عمل ما و نوع فکر ما در زندگی از نگاه خموش، موضوع دیگری که از آن طرح‌واره برای ارائه انتخاب شد "۱۲ آموزه مشترک عارفان جهان" بود که اشتراکات زیادی با حکمت عملی مولوی داشت و نکات کاربردی و عارفانه‌ای را مطرح می‌کرد. در واقع هر کجا که اسم از فلسفه و حکمت و عرفان می‌آید مباحث انتزاعی و غیر کاربردی در ذهن آدم تداعی می‌شود اما در این ارائه‌ها برعکس بود و بررسی می‌کردیم که چگونه می‌شود این آموزه‌های معنوی را در عمل به کار گرفت.

از طرح‌های قبلی هم ارائه‌هایی باقی مانده بود مثلاً ارائه خودم که درسگفتار تفکر نقدی آقای ملکیان بود که مسایلی مثل چگونگی نقد یک متن یا فکر، انواع تعاریف الفاظ و انواع مغالطات را شامل بود که تمام شد و من به شخصه با رویه‌ی جدید راحت ترم و

بیشتر دوستش دارم که کمی نزدیک‌تر به عمل است، راستش را بخواهید خود من زیاد با خواندن طولانی مدت یک تئوری و کلنجار رفتن با مطالب فلسفی کنار نمی‌آیم و حس می‌کنم باید بر اساس اطلاعاتی که در یک زمان مشخص جمع می‌کنیم کار مفید و تاثیر گذاری را انجام دهیم حتی خیلی کوچک در حد برداشتن یک تکه زباله از زمین. بگذارید کمی هم راجع به کوید ۱۹ هم بگویم که نقل محافل است. در این چند وقتی که ما میزبان کرونای عزیز بودیم جلساتمان حضوری نبود و به حالت مجازی برگزار شد و می‌توانم بگویم که تجربه‌ی خوبی هم بود. خب فکر می‌کنم این متن برای معرفی روزنه‌یمان در قسمت اول کافی بود.

ادامه دارد...



در جلسات آنلاین حلقه مطالعاتی «روزنه»، در خصوص «حکمت عملی مولوی» یا به تعبیری فلسفه عملی مولوی صحبت شد که به اهتمام مصطفی ملکیان نگارش شده است. این حکمت‌ها در قالب بیست و چهار نکته به گونه‌ای گفته شده است که حتی اگر مخاطب، پیش فرض‌های مولانا (خدا، انسان، زندگی پس از مرگ، جبر و اختیار و عشق) را نیز قبول نداشته باشد، باز هم این حکمت‌ها برای او سودمند خواهد افتاد.

به اعتقاد ملکیان، با مذاقه در جهان‌نگری مولانا می‌توان گفت که کل پیام مولانا دوفقره بیشتر نیست و به دنبال این دو فقره هم یک نتیجه. همه آنچه مولانا گفته است این است که اولاً عشق به خود دروغین (ایگو) را کاملاً در وجودمان تعطیل کنیم و دوماً عاشق خدا بشویم، به عنوان تنها معشوقی که در خور عشق‌ورزی است. نتیجه این دو این است که با خدا وحدت می‌یابیم، یعنی خدا را در خودمان می‌یابیم و خودمان را در خدا.

خویش را صافی کن از اوصاف خود تا ببینی ذات پاک صاف خود
 هر چه جز عشق خدای احسن است گر شکر خواری است خود جان‌کندن است

بیست و چهار نکته به صورت اجمالی شامل موارد زیر است:

۱. بی‌ثباتی جهان: آن کدامین خوش که آن ناخوش نشد؟
۲. گریز از ستایش مردم: عاشقا در خویش بنگر سخره مردم مشو، تا فلان گوید چنان و آن فلان گوید چنین
۳. فاصله گرفتن از انانیت: این همه غم‌ها که اندر سینه‌هاست، از بخار و گرد باد و بود ماست
۴. دچار نشدن به توهم کمال: علتی بدتر ز پندار کمال نیست اندر جان تو ای ذو دلال.
۵. توجه به رایگان‌بخشی جهان: گفت حقشان گر شما روشن‌گرید، در سیه کاران مغفل منگرید.

۶. اسباب همیشه با هم جمع نمی‌شوند: آن یکی خر داشت پالانش نبود، یافت پالان گرگ خر را در ربود.
۷. ابن‌الوقت بودن
۸. فهمیدن وزن نسبی امور در قیاس با یکدیگر: قیمت هر کاله می‌دانی که چیست، قیمت خود را ندانی ابله‌ی است
۹. بسیاری از اوقات چیزهایی که به نظرت نعمت می‌آیند، در واقع نعمت‌اند: دشمن طاووس آمد پَرّ او، ای بسی شه را بکشته فر او.
۱۰. شباهت نشانه هم‌ترازی نیست: کار نیکان را قیاس از خود مگیر، گر چه ماند در نبشتن شیر شیر.
۱۱. روشنی و گرمی: کار مردان روشنی و گرمی است، کار دونان حيله و بی‌شرمی است.
۱۲. دوری از سوگیری: چون غرض آمد هنر پوشیده شد، صد حجاب از دل به سوی دیده شد.
۱۳. حذر از تقلید از دیگران: خلق را تقلیدشان بر باد داد، ای دو صد لعنت بر این تقلید باد.
۱۴. از عادت‌های خود تبعیت نکنید: در خلاف آمد عادت بطلب کام که من، کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم.
۱۵. سبک زندگی کنونی، صدق و کذب زندگیت را آشکار خواهد ساخت: تا تو تاریک و ملول و تیره‌ای، دان که با دیو لعین هم‌شیره‌ای.
۱۶. نترسیدن از فقر: فلسفی مر دیو را منکر شود، در همان دم سخره دیوی بود.
۱۷. شهرت‌طلبی، زندگی را فاسد می‌کند: که اشتها خلق بند محکم است، در ره این از بند آهن کی کم است.
۱۸. دوری از تکاثر: بهر فخر و بهر بوش و بهر ناز، نه از برای ترس و تقوی و نیاز.
۱۹. خطر داشتن طلب ریاست: چونک اندر ملک دید او صد خطر، مو به مو ملک جهان بد بیم سر.
۲۰. به دنبال آزادی‌های درونی و نه بیرونی بودن.
۲۱. عمل تو شرط لازم رسیدن به هدف است: از رنج کسی به گنج وصلت نرسید، وین طرفه که بی‌رنج کس آن گنج ندید.
۲۲. ما در عالم هیچ وقت به معرفت دست پیدا نمی‌کنیم، بلکه تفسیری از جهان در دست ما خواهد افتاد.
۲۳. اهمیت زبان و پرهیز از زخم‌زبان زدن.
۲۴. نگاه نکردن به گذشته: این دریغاها خیال دیدنست، وز وجود نقد خود بیریدنست.

گزارش داخلی اردیبهشت ۱۳۹۹

با سلام و ارادت خدمت همیاران عزیز و قبولی طاعات و تبریک عید سعید فطر، احتراماً گزارش عملکرد اردیبهشت خدمتتان تقدیم می‌گردد:

- تهیه و اهدای پک عیدانه به خانواده‌ها به مناسبت تولد امام حسن مجتبی.
- برگزاری برنامه‌های هنری و مسابقات گوناگون در فضای مجازی برای دانش آموزان دو طیف کودک و نوجوان در شرایط قرنطینه.
- برگزاری جلسات مشاوره تلفنی با برخی دانش آموزان، متناسب با نیازهایی که از طریق پشتیبانان ارائه می‌شد.
- در سال جدید و با توجه به آغاز فعالیت‌ها، بسته‌بندی و فروش ترشی‌های تولیدی خانه غدیر آغاز گردید و عرضه‌ی آن در خارج از مجموعه غدیر صورت گرفت.
- آغاز کلاس‌های تقویتی برای دانش آموزان جهت آمادگی آزمون پایان ترم در فضای مجازی.
- اهدای سبد کالا ماه مبارک رمضان که شامل یازده قلم جنس بود که گزارش کامل آن قبلاً به صورت مجزا خدمت شما عزیزان تقدیم گردید.
- برگزاری جلسات مثنوی و تاملات قرآنی بصورت هفتگی در طول ماه مبارک رمضان.
- برگزاری دو جلسه آموزشی با محوریت روانشناسی برای همیاران توسط جناب آقای دکتر صاحبی و جناب دکتر نودهی.
- جلسه آموزشی دکتر صاحبی کار مشترکی بود میان خانه فرهنگی غدیر، خانه عماد و موسسه آتنا.
- برگزاری جلسات حلقه‌های مطالعاتی دریاچه و روزنه طبق تقویم منظم سالانه.
- انتشار ماهنامه کوچه، که در فروردین ماه خدمت دوستان تقدیم گردید.

با تشکر از حضور گرم شما
 جمعیت خیریه غدیر